



Evaluating the Language Policy Cycle in Afghanistan

*Roohollah Eslami**
*Rafiullah Bismil***

E-mail: eslami.r@um.ac.ir
E-mail: rb.bismil@yahoo.com

Received: 2025/02/19

Revised: 2025/12/13

Accepted: 2025/12/20

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.509377.1672

Abstract

Language stands as one of the most valuable components of tradition and national identity within a country. Afghanistan, widely recognized for its linguistic diversity, ranks among the world's most linguistically diverse nations. Following the European trend of modern nation-states and the recognition of language as an essential unifying element in nation formation, Afghan policymakers prioritized Pashto as the primary element for national unity after gaining independence. This approach gave rise to policies emphasizing the preservation and development of Afghan languages, especially Pashto and Dari, as central to national identity within major documents, such as constitutional laws and governmental decrees. Despite these efforts, the implementation of these policies fell short of achieving satisfactory outcomes. This study explores the approach and execution of language-related policies in Afghanistan's history and evaluates the results based on established laws and decrees. Using qualitative historical analysis and primary documentary sources, this research reveals that, historically, the dominant language in Afghanistan and the country's cultural identity have been closely tied to Persian. The founding figures, including emirs, prime ministers, and presidents, communicated predominantly in Persian, though it was rebranded as Dari over time. Simultaneously, the government supported smaller local languages to avoid a monolingual national identity.

Keywords: Public Policymaking, Official Language, National Language, Persian, Dari, Pashto.

* Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author).

** Master's Student of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

ارزیابی چرخه سیاست‌گذاری زبان در افغانستان

نوع مقاله: پژوهشی

روح‌اله اسلامی*

E-mail: eslami.r@um.ac.ir

رفیع‌اله بسمل**

E-mail: rb.bismil@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

چکیده

زبان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی و ملی محسوب می‌شود. افغانستان، با وجود تنوع گسترده زبانی، در عرصه سیاست‌گذاری زبانی با چالش‌های تاریخی مواجه بوده است. پس از استقلال، زبان پشتو با الگوبرداری از الگوی دولت - ملت‌های مدرن، به‌عنوان ابزار وحدت ملی در اولویت سیاست‌گذاری قرار گرفت. این مقاله با طرح این پرسش که رویکرد حکومت‌ها در اجرای خط‌مشی‌های زبانی در طول تاریخ افغانستان چه بوده و این سیاست‌ها تا چه اندازه مبتنی بر اسناد حقوقی و فرامین قانونی اجرا شده‌اند، به بررسی عملکرد تاریخی دولت‌ها در قبال زبان‌ها می‌پردازد. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر تحلیل تاریخی منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود پیوند عمیق زبان فارسی با فرهنگ و هویت این سرزمین، تلاش‌هایی برای کاهش جایگاه آن و جایگزینی زبان دری و همچنین، حمایت از زبان‌های محلی، با هدف جلوگیری از تثبیت فارسی به‌عنوان زبان غالب صورت گرفته است که اغلب از تحقق به اهداف تعیین‌شده در رابطه با جایگاه زبان فارسی بازمانده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری عمومی، زبان رسمی، زبان ملی، فارسی دری، پشتو.

* دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

زبان، گرچه در زندگی روزمره حضوری ناخودآگاه دارد (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۵)، نقش بنیادینی در شکل‌دهی به شناخت و تجربه انسانی ایفا می‌کند. این پدیده فقط ابزار گفتار نیست، بلکه نشانه‌های غیرلفظی را نیز دربر می‌گیرد (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۵۵۶) و در قالب‌هایی چون تحولات تاریخی، گونه‌های جغرافیایی و تنوعات اجتماعی - فردی قابل تحلیل است (هارتمن و همکاران، ۱۹۹۸: ۹۷). همچنین، زبان از مؤلفه‌های هویت ملی است که اهمیت آن در مقاطع مختلف تاریخی، نسبت به عواملی چون مذهب و دولت متغیر بوده است (اشرف، نیولی و شهبازی، ۱۳۹۵: ۲۱). از دهه ۱۹۳۰م. به بعد، زبان به‌ویژه در افغانستان، به عاملی مؤثر در سیاست‌گذاری و نیز منبع منازعه و تفرقه بدل شده که بازتاب آن را می‌توان در قانون اساسی و تمایز میان زبان رسمی، ملی و مادری مشاهده کرد.

افغانستان به دلیل تنوع زبانی، کوشیده است سیاست «تکثر زبانی» را اجرا کند؛ الگویی که در کشورهایی چون کانادا، سوئد و ایالات متحده نیز به اشکال مختلف دنبال شده است (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۶). با این حال، در جوامعی که هماهنگی زمانی و مکانی میان گروه‌های زبانی وجود ندارد، این تنوع می‌تواند به جای انسجام، به تشدید تفرقه ملی بینجامد. از همین جا پیوند سیاست و زبان در افغانستان آشکار می‌شود؛ زیرا در راستای تداوم سلطه قومی، سیاست‌های زبانی بر پایه تحمیل یک زبان و تضعیف تدریجی سایر زبان‌ها شکل گرفته‌اند. این رویکرد منجر به شکاف‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی میان اقوام مختلف شده است. با استقلال افغانستان و شکل‌گیری سیاست‌های قوم‌محور، زبان فارسی به‌رغم کاربرد گسترده در افهام و تفهیم، به‌عنوان زبان بیگانه تلقی شد. از دهه ۱۹۳۰م. به بعد، سیاست‌گذاران تلاش‌هایی برای تقویت زبان پشتو و در برخی موارد، ایجاد تک‌زبانگی در اسناد بالادستی دنبال کردند. با این حال، بررسی وضعیت کنونی زبان‌های پشتو و دری نشان می‌دهد که این سیاست‌ها در عمل به اهداف خود دست نیافته‌اند. در ادامه، به تبیین سیاست‌های زبانی حکومت‌های مختلف افغانستان و پاسخ به این پرسش پرداخته می‌شود که این حکومت‌ها چه رویکردی در قبال زبان‌ها اتخاذ کرده‌اند؟

پیشینه پژوهش

در بررسی منابع موجود در حوزه سیاست‌های زبانی افغانستان، هیچ اثر جامع و مستقلی که وضعیت و جایگاه همه زبان‌های رایج در افغانستان را در بستر تاریخی، حقوقی و فرهنگی به‌طور یکپارچه و تحلیلی بررسی کرده باشد یافت نشد. بیشتر منابع موجود بر



یک زبان خاص متمرکز بوده‌اند که اگرچه برای درک جزئیات مفیدند، در تحلیل کل‌گرایانه سیاست‌های زبانی ناکافی به نظر می‌رسند.

برای نمونه، خانلری (۱۳۴۷) در کتاب *زبان‌شناسی و زبان فارسی صرفاً* در یک بخش محدود به تاریخچه زبان دری پرداخته است و تمرکز اصلی کتاب بر اصول زبان‌شناسی است، نه بر سیاست‌های زبانی یا ساختار چندزبانه افغانستان.

هروی (۱۳۷۱) در مقاله «علل تشتت فرهنگی و اجتماعی در کتاب» *تاریخ و زبان در افغانستان*: بیشتر به کشمکش‌های زبانی میان فارسی و پشتو پرداخته؛ اما به دیگر زبان‌های رایج در کشور توجه چندانی نداشته است؛ نگاه او بیشتر فرهنگی و تاریخی است تا تحلیلی و سیاست‌محور.

کاظمی (۱۳۸۲) در *هم‌زبانی و بی‌زبانی*، به‌ویژه با تمرکز بر نگرش نخبگان پشتون نسبت به زبان فارسی دری، نگاه تک‌بعدی به تحولات زبانی افغانستان دارد و دیگر مؤلفه‌های تنوع زبانی در متن تحلیل غایب‌اند.

صفا (۱۳۶۹) در کتاب *تاریخ ادبیات در ایران*، از منظر ادبی و تاریخی، به لهجه دری پرداخته است؛ اما این اثر با وجود ارزش تاریخی‌اش، فاقد تحلیل سیاست‌های رسمی در قبال زبان‌های افغانستان است.

اسلامی، حصین و اطهری (۱۴۰۳) در پژوهش «سازوکار ایدئولوژی فارسی‌زدایی در افغانستان» زبان فارسی را در بستر تاریخی - سیاسی تحلیل کرده‌اند. با وجود ارائه نکات مهم درباره نقش ایدئولوژی در حذف و حاشیه‌سازی زبان فارسی، پژوهش آن‌ها تنها یک بخش از پازل کلان سیاست‌های زبانی افغانستان را آشکار می‌سازد.

یسنا (۱۳۹۸) نیز در مقاله «جایگاه زبان پارسی در افغانستان» به بررسی جایگاه تاریخی و رسمی زبان فارسی پرداخته است؛ اما همانند دیگر آثار، تحلیل جامعی از وضعیت سایر زبان‌ها ارائه نکرده است.

در مجموع، این منابع هرچند به لحاظ محتوایی ارزشمندند، از فقدان یک رویکرد همه‌جانبه‌نگر به سیاست‌های زبانی افغانستان رنج می‌برند. بدین‌رو، پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز بر وضعیت تاریخی و سیاست‌گذاری زبان‌های مختلف افغانستان در ادوار گوناگون، به‌خلاف پژوهشی موجود پاسخ دهد و رویکرد دولت‌ها را نسبت به زبان‌های رسمی، ملی، محلی و اقلیت‌ها بررسی و تحلیل نماید.



روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و در چهارچوب مطالعات تاریخی - تحلیلی انجام شده و تمرکز آن بر تحلیل سیاست‌گذاری زبانی در افغانستان از منظر تاریخی است. داده‌ها از طریق مطالعه تطبیقی هشت قانون اساسی و اسناد رسمی، همراه با تحلیل محتوای خط‌مشی‌های زبانی حکومت‌های مختلف گردآوری شده‌اند. اسناد حقوقی نه صرفاً به‌عنوان متون قانونی، بلکه به‌مثابه بازتابی از رویکرد دولت‌ها نسبت به زبان در بستر اجتماعی - سیاسی زمان خود تحلیل شده‌اند. چهارچوب نظری پژوهش در حوزه سیاست‌گذاری زبانی، امکان دوره‌بندی تحولات و تبیین جهت‌دار سیاست‌ها را فراهم می‌سازد. استفاده از روش تاریخی - تفسیری نیز به پژوهشگر این امکان را داده است که فراتر از توصیف، به تحلیل انگیزه‌ها، پیامدها و اثرات اجتماعی سیاست‌های زبانی بر گروه‌های زبانی مختلف بپردازد.

چهارچوب مفهومی

۱- سیاست‌گذاری عمومی

سیاست‌گذاری مفهومی مرتبط با ساختار حکومت و بیانگر نقش دولت در مدیریت امور عمومی است (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۸۹: ۲۳). این فرایند از تعامل میان افراد، نهادها، منافع و ایده‌ها شکل می‌گیرد (پیتر و پیر، ۲۰۰۶: ۶) و شامل فعالیت‌های دولت برای تدوین و اجرای برنامه‌هایی با اهداف اجتماعی مؤثر بر زندگی شهروندان است (برکلند، ۲۰۱۴: ۳۸؛ هاولت و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۸۵). دیدگاه‌های نظری مختلف، سیاست‌گذاری را تصمیمی عقلانی در شرایط رقابتی (نظریه بازی‌ها)، تلاشی برای پیشینه‌سازی منافع اجتماعی (انتخاب عقلانی) یا ایجاد تعادل میان گروه‌ها (نظریه گروهی) تعریف می‌کنند (دای، ۱۹۹۵: ۱۷۶).

۲- زبان ملی

به باور گاروین، «زبان ملی» در دو معنا به‌کار می‌رود؛ در معنای نخست، به‌گونه‌ای خنثی، به زبانی اطلاق می‌شود که در مقابل زبان‌های محلی، به‌عنوان زبان مشترک در سطح ملی به‌کار گرفته می‌شود. در معنای دوم، این اصطلاح در برابر زبان بیگانه‌ی استعماری قرار می‌گیرد و کارکردی نمادین در تقویت هویت ملی دارد؛ برای نمونه، زبان هندی در برابر انگلیسی و زبان اندونزیایی در برابر هلندی به‌عنوان زبان ملی شناخته می‌شوند (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۶).

۳- زبان رسمی

گاروین «زبان رسمی» را زبانی تعریف می‌کند که از سوی نهادهای دولتی به‌رسمیت



شناخته شده و معمولاً در متن قانون اساسی کشورها ذکر می‌شود (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۴۴). این زبان، به‌عنوان زبان فرهنگی و ادبی مشترک، توسط اقشار تحصیل کرده، روحانیون، سیاستمداران، نویسندگان و تولیدکنندگان محتوای علمی و آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۶۱۰).

۴- زبان مادری

زبان مادری نخستین زبانی است که کودک به‌صورت طبیعی در محیط خانواده و اجتماع می‌آموزد و بخشی بنیادین از هویت زبانی و فرهنگی او را شکل می‌دهد (دیکشنری کمبریج، بی‌تا).

۵- زبان محلی

زبان محلی^۱ به زبانی اطلاق می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی خاص، توسط گویشوران بومی در موقعیت‌های عمدتاً غیررسمی به‌کار می‌رود. این زبان بازتاب‌دهنده تنوع زبانی و فرهنگی جامعه بوده و بخشی از میراث فرهنگی آن منطقه محسوب می‌شود (دیکشنری کمبریج، بی‌تا).

زبان در حاکمیت‌های افغانستان

۱- زبان‌های افغانستان

ساختار کوهستانی و ناهموار افغانستان، با ایجاد محیط‌های زیستی جداگانه، زمینه‌ساز تنوع گسترده زبانی شده است (نورستانی، ۱۳۵۰: ۲۸۸)؛ اما در سطح ملی، می‌توان آن‌ها را بازتاب‌دهنده تنوع قومی و فرهنگی کشور دانست (پاپلی یزدی، ۱۳۷۲: ۱۳). جارج مورگنسترن^۲ این کشور را گنجینه‌ای از شاخه‌های زبانی آسیا و اروپا می‌داند. به‌گفته‌ی امیل بنونیست^۳ باوجود تأثیرپذیری از فرهنگ‌های همسایه، افغانستان هویت تاریخی و ملی خود را حفظ کرده است (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۷۹). این تنوع فرهنگی و زبانی، در کشوری با وسعتی به‌نسبت محدود، کم‌نظیر است. بر پایه دایرةالمعارف آریانا، حدود ۳۵ زبان مستقل با لهجه‌های متنوع در افغانستان رایج‌اند که بیشتر به خانواده‌های ایرانی، هندوایرانی و اوراسیایی تعلق دارند (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۷۸۹). در ادامه، این زبان‌ها معرفی می‌شوند.

- زبان دری: تعاریف گوناگونی از واژه‌ی «دری» ارائه شده است. براساس آثار برهان

قاطع، حمزه اصفهانی و خانلری، این واژه را با استناد به چهار دیدگاه تبیین می‌کنند:

1. Vernacular
2. George Morgenstierne
3. Benvenists



- زبان مردمان درگاه کیانی؛
- زبانی که در درگاه بهمن اسفندیار وضع شد؛
- زبان رایج در نواحی بلخ، بخارا، بدخشان و مرو؛
- واژه‌ای منسوب به «دره»، همانند ترکیب «کبک دری» (خانلری، ۱۳۴۷: ۶۹).
- صفا زبان دری را یکی از پنج زبان عصر ساسانی (فهلوی، دری، فارسی، خوزی و سریانی) می‌داند (صفا، ۱۳۶۹: ۱۲۳) که از فارسی هخامنشی به پهلوی و سپس به دری تحول یافته است (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۴۲۸). پژوهشگران افغان مانند نزیهی و روان‌فهادی، باوجود تفاوت‌های لهجه‌ای، دری را همان فارسی می‌دانند (کاظمی، ۱۳۸۲: ۶۳). دایرةالمعارف آریانا نیز دری را فارسی دری با لهجه‌های شاخه‌های غربی و شرقی، به‌ویژه در خراسان معرفی می‌کند (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۷۹۲).
- زبان پشتو: از منظر زبان‌شناسی، به شاخه‌ی هندوآریایی و هندوایرانی وابسته است. میولر و دار مستتر آن را زبانی ایرانی با ریشه‌ای مشترک با زند می‌دانند؛ اما ترومپ، فن سپیگل و هورنل پشتو را زبانی مستقل در خانواده هندوآریایی می‌شمارند که عناصر مشترک با زبان‌های هندی دارد و نخستین حلقه پیوند این خانواده‌ها محسوب می‌شود (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۴۱۰). گویشوران پشتو در مناطق جنوب شرق و جنوب غرب افغانستان و فراتر از خط دیورند پراکنده‌اند. دو لهجه اصلی آن، مشرقی و قندهاری (غربی) است (حبیبی، ۱۳۴۱: ۴؛ نورستانی، ۱۳۵۰: ۲۸۹). سایر زبان‌های رایج و مناطق نفوذ آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. زبان‌های رایج و مناطق نفوذ آن‌ها در افغانستان^۱

نوع زبان	متکلمان	نوع زبان	متکلمان	نوع زبان	متکلمان	نوع زبان	متکلمان
۳ ازبکی	شمال و شمال غرب	۱۳	منجی و بیدغه	۲۳	کتی - بشگلی	۳۲	کُردی
۴ ترکمنی	شمال غرب	۱۴	واخی	۲۴	واپگلی	۳۳	مغلی
۵ بلوچی	جنوب غرب	۱۵	سَریکلی	۲۵	اسکوئی	۳۴	قرقیزی
۶ پشه‌ای	جنوب شرق	۱۶	سَنگلیچی	۲۶	پارونی	۳۵	قزاقی

۱. چون زبان دری و پشتو در متن تحلیل شده، از زبان سوم شماره‌گذاری شده است.



				۲۷	کلشه‌ای و کهوری	۱۷	زیبایی	قندهار	۷	سندهی
				۲۸	گوربتی	۱۸	اشکاشمی		۸	لهندا
				۲۹	پرسی - ورنی	۱۹	شغنی و یزغلامی	۹	عربی	
				۳۰	اشکنی	۲۰	روشایی و ارشری	۱۰	جتی	
				۳۱	آذری	۲۱	پراچی	۱۱	اورمردی	
						۲۲	تیراهی	مرکز و جنوب شرقی	۱۲	پنجابی

۱-۱- زبان‌های خارجی مروج در افغانستان

افزون بر زبان‌های رسمی و محلی، چند زبان فراملی نیز بر فضای آموزشی، دینی و ارتباطی افغانستان تأثیر گذاشته‌اند که از آن میان، زبان انگلیسی با گسترش جهانی شدن، به زبان میانجی مرسوم در ارتباطات بین‌المللی بدل شده (ناجی میدانی و همکاران، ۲۰۱۵: ۹۱) و شمار کاربران غیربومی آن از گویشوران بومی فراتر رفته است (کاناگارا، ۲۰۰۷: ۹۲۳؛ یوان، ۲۰۱۱: ۴۵۸). در افغانستان نیز پس از سال ۲۰۰۱، با حضور نیروهای خارجی و فرصت‌های آموزشی، این زبان به سرعت در نهادهای آموزشی و شغلی گسترش یافت.

زبان عربی، به‌عنوان زبان دین اسلام، در تاریخ فرهنگی افغانستان جایگاهی ممتاز دارد و تأثیر آن در واژگان فارسی و پشتو، به‌ویژه در حوزه دینی، مشهود است (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

زبان اردو، از خانواده‌ی هندوایرانی (دایرةالمعارف آریانا، ۱۹۵۶: ۷۹۱)، در دوره سلطنت نادرخان (۱۹۳۰) در کابل نفوذ قابل توجهی داشت؛ اما با رشد زبان‌های اروپایی، از جمله انگلیسی، کاربرد آن کاهش یافته و امروزه تنها در مناطق مرزی با پاکستان رایج است (راهی، ۲۰۲۱).

۲- حاکمیت‌های افغانستان

۱-۲- دودمان ابدالی (۱۸۲۳ - ۱۷۴۷)

بر پایه‌ی سنت تاریخی قدرت‌های ادواری، پس از حکومت سلسله‌هایی چون طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، خوارزمشاهیان، چغانیان، تیموریان و هوتکیان، احمدخان ابدالی در سال ۱۷۴۷ میلادی نخستین دولت افغان را در قندهار بنیان نهاد. او



با عبور از دوره‌ای از فترت داخلی، توانست امپراتوری با مرکزیت قندهار در گستره خراسان و هند تأسیس کند.

۲-۱-۱- طراحی سیاست

با تأسیس دولت جدید، ساختار سیاسی منسجمی بر پایه قانون تدوین نشد، اما برخی اقدامات آن دوره را می‌توان در چهارچوب بنیان‌گذاری سیاسی ارزیابی کرد؛ از جمله ضرب سکه احمدشاهی در ضرابخانه‌ی اردو به سبک دارالسلطنه‌ی دهلی (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۳۴)، فرمان احمدشاه ابدالی برای تدوین تاریخ سلطنت خود و تشکیل انجمن ادبی در دربار تیمورشاه.

۲-۱-۲- اجرای سیاست

زبان فارسی در دوره احمدشاه ابدالی، نه تنها زبان رسمی دیوانسالاری و دربار بود، بلکه ابزار اصلی ارتباط میان نخبگان و مردم نیز به‌شمار می‌رفت. یکی از شواهد روشن این موقعیت ممتاز، اشعار فارسی منقوش بر سکه‌های این دوره است که نمایانگر پیوند میان قدرت سیاسی و زبان شعر است.

«حکم شد از خالق بی‌چون به احمد پادشاه سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا به ماه»
ذوق ادبی احمدشاه در زبان فارسی موجب شد تا شاعران برجسته‌ای مانند واقف لاهوری و دیوان‌بیبی را به دربار قندهار دعوت کند. دیوان‌هایی به فارسی و پشتوازی وی به‌جا مانده است. وی همچنین ایرانیانی چون نظام‌الدین عشرت و میرزا محمود حسینی را به‌عنوان منشی و مورخ به‌کار گرفت که آثاری چون شاهنامه احمدیه و تاریخ احمدشاهی را با اسلوب تاریخ جهان‌گشای نادری (نوشته میرزا مهدی خان استرآبادی) به فارسی نگاشتند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۴۵).

در ادامه این سنت، تیمورشاه، پسر احمدشاه، با تشکیل انجمن ادبی در کابل و حمایت از شاعران داخلی و خارجی، نقش مهمی در حفظ و گسترش زبان فارسی ایفا کرد. وی که از حافظ شیرازی و واقف لاهوری تأثیر پذیرفته بود، اشعار فارسی را بر سکه‌های خود نقش زد و دیوان‌هایی به فارسی و پشتوازی خود بر جای نهاد و از او به‌عنوان حامی هر دو زبان در تاریخ یاد شده است (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۷۴؛ وکیلی، ۱۳۵۶: پیشگفتار). یکی از اشعار سکه‌های او چنین است:

«علم شد از عنایات الهی بعالم دولت تیمورشاهی»

کاربرد شعر فارسی در مکاتبات سیاسی نیز تداوم داشت. برای نمونه، دعوت‌نامه شاه محمود برای بازگرداندن برادرش از یزد به هرات با بیتی از حافظ آغاز می‌شود:

«ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگو بنده شاه شماییم و ثنا خان شما»



با اینکه شاه‌شجاع به دلیل وابستگی به انگلستان و ناآشنایی با زبان پشتو، در حافظه فرهنگی کشور چهره‌ای بیگانه تلقی شد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۳۹)، زبان فارسی در دوره او و پس از آن، جایگاه مسلط خود را در مکاتبات رسمی، اسناد دیوانی و تولیدات فرهنگی حفظ کرد؛ جایگاهی که مسیر طبیعی آن را به سوی زبان ملی و رسمی کشور نمایان می‌سازد (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱۶۸).

مطالعه اسناد دوره ابدالی نشان می‌دهد که فارسی نه تنها زبان اداری، بلکه حامل هویت سیاسی و فرهنگی حکومت مرکزی بوده است. سیاست‌های زبانی احمدشاه و تیمورشاه، همراه با حمایت از اهل قلم فارسی‌زبان، زمینه‌ساز تداوم این زبان در ساحت‌های مختلف گردید؛ امری که در تثبیت موقعیت فارسی در دوره‌های بعدی نقش بنیادین داشته است.

۲-۲- دودمان محمدزایی (۱۹۱۹ - ۱۸۲۳)

با به قدرت رسیدن امیر دوست‌محمدخان، دوره اقتدار سلسله ابدالیان پایان یافت. در دوره امیر شیرعلی‌خان، اصلاحات نوسازی با مشورت سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد؛ اما حمله نیروهای بریتانیایی و امضای معاهده گندمک در سال ۱۸۷۹ میلادی، به اشغال افغانستان و توقف روند اصلاحات انجامید (حقایق و ریاحی‌پور، ۱۳۷۷: ۲۳۷).

۲-۲-۱- طراحی سیاست

با آغاز سلطنت امیر شیرعلی‌خان، افغانستان وارد مرحله‌ای از نوسازی و تحول اداری شد. از جمله اقدامات برجسته وی می‌توان به تأسیس مدرسه‌ها، تدوین رساله‌های درسی و به‌کارگیری زبان پشتو در مکاتبات رسمی اشاره کرد. در ادامه این روند، امیر عبدالرحمن‌خان با هدف تقویت انسجام ملی، روز ۲۶ اسد (مرداد) را به‌عنوان «روز اتفاق ملت» نام‌گذاری نمود و فرمانی در راستای تثبیت جایگاه سلطنت صادر کرد (غبار، ۱۳۴۶: ۱۰۵۴).

۲-۲-۲- اجرای سیاست

در دوره امیر شیرعلی‌خان، با تأثیر اندیشه‌های سید جمال‌الدین، مدرسه‌ها ملکی و نظامی تأسیس و رساله‌های نظامی برای نخستین بار به پشتو نگاشته شد که گامی در جهت رسمی‌سازی این زبان بود (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۷۴؛ فرهنگ، ۱۳۷۱: ۳۰۹). در دوره امیر عبدالرحمن‌خان، با وجود تمرکزگرایی، فارسی همچنان زبان مرسوم دیوانی و فرهنگی باقی ماند. نشریه شمس‌النهار، چاپ آثار فارسی‌زبان متعدد از جمله تاج‌التواریخ و پندنامه دنیا و دین، دیوان عایشه درانی را در کارنامه خود دارد و حضور ۸۲ شاعر و منشی هندی که به این دوره دعوت شده بودند، نقش و جایگاه محوری فارسی را در این دوره تثبیت کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۸۷؛ فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۲۷).



در دوره امیر حبیب‌الله خان، نوسازی آموزشی شدت گرفت. تأسیس لیسه (دبیرستان) حبیبیه در ۱۹۰۳، مواجهه رسمی میان زبان پشتو و زبان انگلیسی را ممکن ساخت. دانش‌آموزان در این مدرسه امکان انتخاب میان دو زبان را داشتند؛ اما آموزش زبان در سایر مکاتب محدود و ابتدایی باقی ماند (غبار، ۱۳۴۶: ۷۰۲). در مجموع، در فاصله این سه امیر، روند تدریجی تحول زبانی در ساختار دولت آغاز شد؛ پشتو وارد نظام آموزش و ادارات شد، فارسی جایگاه فرهنگی خود را حفظ کرد و زبان انگلیسی در آموزش نوین و ترجمه به‌عنوان زبان جهانی حضور یافت؛ مسیری که بنیان‌گذار سیاست‌های زبانی قرن بیستم در افغانستان شد.

۲-۳- عصر مشروطه (۱۹۷۸ - ۱۹۱۹)

دوره امان‌الله خان (۱۹۲۹ - ۱۹۱۹) آغازگر سیاست‌گذاری مدرن در افغانستان بود. پس از استقلال، اصلاحات با الهام از اندیشه‌های نوسازی محمود طرزی پیگیری شد و قانون اساسی ۱۹۲۳ به دو زبان فارسی و پشتو منتشر گردید؛ اقدامی که تلاشی برای توازن زبانی بود؛ هرچند قانون مزبور به‌طور مستقیم به موضوع زبان نپرداخت و بیشتر بر مواد مذهبی (مانند مواد ۹، ۱۳، ۱۵ و ۱۶) در قانون اساسی ۱۹۲۳ تمرکز داشت که نشان‌دهنده جایگاه حاشیه‌ای زبان در گفتمان سیاسی آن زمان است (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۵۴؛ فرهنگ، ۱۳۷۱: ۵۳۰). در پی تحولات ۱۹۲۹، سلطنت کوتاه‌مدت حبیب‌الله کلکانی، نخستین پادشاه غیرپشتون و فارسی‌زبان، برای نخستین‌بار زبان را وارد منازعات هویتی - سیاسی کرد؛ هرچند دوره او کوتاه بود، اما مسئله زبان به‌عنوان عامل مشروعیت سیاسی در افغانستان مطرح شد (مولایی، ۱۳۸۱: ۶۶۰).

۲-۳-۱- طراحی سیاست

۲-۳-۱-۱- نظام‌نامه اساسی دولت مصوب ۱۹۲۳/۴/۹

در نخستین جرگه قانون اساسی، مسئله زبان به‌عنوان یک اصل قانونی مطرح نشد؛ با این حال، امیر امان‌الله خان در راستای آغاز اصلاحات فرهنگی و با توجه به ساختار قبیله‌ای جامعه، در همان جرگه فرمانی برای ترویج و تعمیم زبان پشتو صادر کرد.

۲-۳-۱-۲- اصول اساسی دولت مصوب ۱۹۳۱/۱۰/۳۱

در قانون اساسی دوره نادرشاه، مسئله زبان به‌گونه‌ای صریح و نظام‌مند مطرح نشده و فقط غیرمستقیم، در اصل بیست‌ویکم به زبان اشاره شده و آن هم درباره ممنوعیت ایجاد مدارس توسط بیگانگان، جز برای آموزش فنون، صنایع و زبان‌های خارجی بوده است.

- فرمان‌ها: فرمان ۱۹۳۷/۳/۳ محمد هاشم خان (جریده اصلاح)، ترویج پشتو را به‌عنوان زبان ملی الزامی کرد و مأموران دولتی را موظف به یادگیری آن دانست؛ هدف، رفع مشکلات اداری ناشی از ناآشنایی با زبان اکثریت عنوان گردید.



۲-۳-۱-۳- قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۹۶۴/۱۰/۱

پس از کناره‌گیری داوودخان، قانون اساسی دهه ۶۰ م. برای نخستین بار جایگاه زبان را به‌طور رسمی در اصل سوم تصریح کرد: «از جمله زبان‌های افغانستان، پشتو و دری زبان‌های رسمی می‌باشند». همچنین، براساس اصل سی و پنجم، دولت موظف به تدوین و اجرای برنامه‌ای مؤثر برای انکشاف و تقویت زبان ملی پشتو شد.

۲-۳-۱-۴- قانون اساسی جمهوری افغانستان مصوب ۱۹۷۷/۲/۲۴

در نخستین قانون اساسی نظام جمهوری، اصل سی و پنجم قانون اساسی ۱۹۶۴ لغو و موضوع زبان در اصل بیست و سوم چنین تصریح شد: «از جمله زبان‌های افغانستان، پشتو و دری زبان‌های رسمی می‌باشند».

- فرمان‌ها: در این راستا، به دستور محمد داوود خان، در سال ۱۹۷۵ مرکز بین‌المللی تحقیقات پشتو و در سال ۱۹۷۸ آکادمی علوم افغانستان در دو بخش علوم طبیعی و علوم عصری تأسیس شد.

۲-۳-۲- اجرای سیاست

با آغاز سلطنت امان‌الله خان و استقلال افغانستان، نوسازی فرهنگی با تأکید بر سیاست‌گذاری زبانی آغاز شد. قانون اساسی ۱۹۲۳، تحت تأثیر اندیشه‌های محمود طرزی، بر ترویج پشتو تأکید داشت (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۵۳۳) و نهادی به نام «مرکه پشتو» برای ترجمه مفاهیم علمی تأسیس شد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۹۳). اصل ۶۸ قانون، اعزام محصلان به اروپا و بهره‌گیری از متخصصان خارجی را تجویز کرد که منجر به ورود الگوهای آموزشی ترکی، آلمانی و فرانسوی گردید. در ۱۹۲۴، به دنبال فشار علمای دینی، «دارالعلوم عربی» تأسیس و زبان عربی وارد نظام آموزشی رسمی شد (غبار، ۱۳۴۶: ۷۹۲). با وجود سیاست ترویج پشتو، فارسی زبان مرسوم آموزش و نشر ماند. نشریه *سراج‌الانخبار* به‌رغم هدف تقویت پشتو، به رسانه‌ای برجسته به زبان فارسی بدل شد (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۵۳) و آثار متعددی توسط طرزی و دیگران به فارسی تألیف یا ترجمه گردید (افغان، ۱۳۸۴: ۱۷۱). حدود ۲۱ نشریه فارسی‌زبان یا دوزبانه نیز فعال بود (غبار، ۱۳۴۶: ۷۹۲). در نتیجه، نوعی وضعیت چندزبانه شکل گرفت؛ ترویج پشتو در سطح رسمی، تداوم حضور فارسی در مطبوعات و قانون‌گذاری، و حضور عربی در آموزش دینی؛ الگویی که با وجود تنوع زبانی، زمینه‌ساز تنش‌هایی شد که در دهه‌های بعد به سیاست‌های پشتون‌محور منجر گردید.

در دوره نادرشاه (۱۹۳۳-۱۹۲۹)، سیاست‌گذاری زبانی با محوریت ناسیونالیسم پشتوزبانی و تأثیرپذیری از الگوهای ترکی و آلمانی، جنبه‌ای ایدئولوژیک یافت. با انتصاب محمدگل خان مومند، دوره‌های اجباری پشتو برای مأموران دولتی، به‌ویژه در مناطق



غیرپشتوزبان برگزار شد و نگارش مکاتبات رسمی به پشتو الزامی شد. این سیاست با وجود مقاومت فرهنگی، با ابزارهایی چون امتیاز مالی (افزایش ۵۰ افغانی) و اجبار اداری تثبیت شد (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۶۳۵). تأسیس نهادهایی مانند «پشتو تولنه» (انجمن پشتو) (۱۹۳۷)، «انجمن تاریخ» (۱۹۴۱) و جایگزینی واژگان فارسی با معادل‌های پشتو (۱۹۴۶) در همین راستا بود (طنین، ۱۳۸۴: ۷۷). در دوره شاه‌محمودخان (۱۹۵۳-۱۹۴۶)، گرایش به موازنه زبانی تقویت شد؛ اما آموزش اجباری پشتو در مناطق غیرپشتوزبان ادامه یافت (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۶۶۲). تأسیس «د افغانستان آکادمی» و انتشار *دایرةالمعارف آریانا* به دو زبان (شش جلد دری، هفت جلد پشتو) از نمودهای این موازنه بود. در دوره صدارت داوودخان (۱۹۶۳ - ۱۹۵۳)، پشتوزبانی رسمی تر شد و اعطای رتبه‌های علمی (زبان پشتو) به استادان دانشگاه، همراه با امتیازات کادری (جدول ۲)، اعمال شد (طنین، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

جدول شماره ۲. رتبه علمی اعضای همت علمی به زبان پشتو

درجه	رتبه علمی (۱۹۵۶ - اکنون)	امتیاز کادری (سال ۱۹۵۶)
۱	خیرنپال = پوهاند	۳۰۰۰ افغانی
۲	خیرندوی = پوهنوال	۲۰۰۰ افغانی
۳	خیرنوال = پوهندوی	۱۵۰۰ افغانی
۴	خیرنمل = پوهنمل	۱۰۰۰ افغانی
۵	خیرنبار = پوهنبار	۸۰۰ افغانی
۶	خیرونکی = پوهیالی	۵۰۰ افغانی

در قانون اساسی ۱۹۶۴، واژه «دری» جایگزین «فارسی» شد و ماده ۳ به نوعی، موازنه زبانی را با پذیرش ضمنی دیگر زبان‌ها ایجاد کرد؛ هرچند ماده ۳۵ بر تقویت پشتو تأکید داشت و با مخالفت ناسیونالیست‌های پشتوزبان مواجه شد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۴۸؛ طنین، ۱۳۸۴: ۱۴۶). در دوره جمهوریت داوودخان (۱۹۷۸ - ۱۹۷۳)، با حذف ماده ۳۵، رویکرد ناسیونالیستی حفظ شد؛ اما با حمایت یونسکو، «مرکز بین‌المللی تحقیقات پشتو» در ۱۹۷۵ تأسیس و نشریه‌ای به زبان‌های رسمی یونسکو منتشر شد (آکادمی علوم افغانستان، بی‌تا). در ۱۹۷۸، آکادمی علوم بازسازی نهادی یافت (جدول ۳). در مجموع، سیاست‌گذاری زبانی افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۷۸، بازتابی از پروژه‌های دولت‌سازی و تحولات ایدئولوژیک بود که میان سه محور نوسان داشت؛ تلاش برای پشتون‌سازی، ایجاد موازنه حقوقی میان زبان‌ها و مقاومت اجتماعی زبان‌های غیردولتی، به‌ویژه فارسی؛ روندی که به شکل‌گیری الگوی ناپایدار، متغیر و تنش‌زای زبانی در ساختار سیاسی و اداری کشور انجامید.



جدول شماره ۳. بخش‌های علمی آکادمی علوم

مدیریت عمومی دایره المعارف		انستیتوت زبان‌ها و ادبیات					مرکز بین‌المللی تحقیقات پشتو		
بخش فانوس نویسی		ریاست			شورای علمی انستیتوت	شورای علمی مرکز	ریاست		
پشتو به زبان‌های دیگر و زبان‌های دیگر به پشتو	پشتو به پشتو	مدیریت عمومی زبان‌ها و ادبیات ملیت‌های (اقوام) کوچک	مدیریت عمومی دری	پشتو تولنه			مدیریت عمومی		
		مدیریت عمومی					ریسرچ	مجله پشتو	تألیف و ترجمه
		جریده زیری	مجله کابل	علوم اجتماعی	زبان‌شناسی	ادب و فولکلور	عمومی نشرات		

۲-۴- جمهوری دموکراتیک خلق (۱۹۹۲ - ۱۹۷۸)

در سال ۱۹۷۸، با حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و پایان سلطه خاندان محمدزایی، سه قانون اساسی تصویب شد؛ یکی در دوره ببرک کارمل و دو قانون در دوران نجیب‌الله. با توجه به ساختار قومی حزب (خلق: در بیشتر موارد پشتون؛ پرچم: در بیشتر موارد تاجیک)، هدف اصلی این قوانین حفظ انسجام درون‌حزبی و جلوگیری از تعمیق شکاف‌های قومی و سیاسی بود.

۲-۴-۱- طراحی سیاست

۲-۴-۱-۱- اصول اساسی جمهوری دموکراتیک مصوب ۱۹۸۰/۴/۱۴

نخستین قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در دوره ببرک کارمل، در سه اصل به موضوع زبان پرداخت. اصل ۴۰ بر انتشار قوانین به پشتو و دری و امکان ترجمه به زبان‌های دیگر اقوام تأکید داشت. اصل ۵۷ استفاده از زبان اکثریت محلی در محاکم و حق مترجم را تضمین می‌کرد. اصل ۷۵ نیز تعیین زبان سرود ملی را از صلاحیت‌های رئیس‌جمهور دانست.

- فرمان‌ها: در سال ۱۹۸۱، آکادمی علوم افغانستان با تصویب قانونی از سوی ببرک

کارمل، به‌عنوان نهاد رسمی، علمی و مستقل در ساختار دولت تثبیت شد.



۲-۱-۴-۲- قانون اساسی جمهوری افغانستان مصوب ۱۹۸۷/۱۱/۳۰

در قانون اساسی دوره نجیب‌الله احمدزی، اصول متعدد به مسئله زبان پرداختند؛ پشتو و دری زبان‌های رسمی (اصل ۸)، آموزش به زبان مادری (اصل ۵۶)، انتشار قوانین به زبان‌های رسمی با امکان ترجمه (اصل ۹۸)، رسیدگی قضایی به زبان محل یا رسمی با حق مترجم (اصل ۱۱۴) و حمایت دولت از زبان‌ها و فرهنگ اقوام (اصل ۱۴).

۲-۱-۴-۲- قانون اساسی جمهوری افغانستان مصوب ۱۹۹۰/۵/۲۴

در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، شماری از مواد پس از لغو، با همان ادبیات قبلی اصلاح و مجدداً درج شدند؛ از جمله مواد ۸، ۱۴، ۵۶، ۷۵، ۹۸ و ۱۱۴.

۲-۴-۲- اجرای سیاست

در دوره ببرک کارمل، سیاست‌گذاری زبانی به‌سوی رسمی‌سازی چندزبانگی و نهادسازی متوازن‌تر حرکت کرد. در کنار تصویب سرود ملی به پشتو، کمیسیون فرهنگی حزب جای انجمن تاریخ را گرفت و به «آکادمی تاریخ افغانستان» تغییر نام داد. در ۱۹۸۱، «انستیتوت زبان و ادبیات» به دو مرکز «مرکز بین‌المللی تحقیقات پشتو» و «مرکز زبان‌ها و ادبیات» تقسیم شد که تمرکز بر پشتو را در کنار توجه به زبان‌های دیگر نشان می‌داد. نظام معادل‌سازی علمی میان دانشگاه و آکادمی نیز ایجاد شد؛ عنوان «سرمحقق» برابر با «پوهاند» در نظر گرفته شد و در سال ۱۹۸۷ در شماره ۶۵۶ هفته‌نامه رسمی منتشر و اجرایی شد (جدول ۴) (آکادمی علوم افغانستان، بی‌تا).

جدول شماره ۴. معادل‌سازی دانشگاهی به زبان پشتو

معدل انگلیسی	رتبه علمی دانشگاه	رتبه علمی آکادمی علوم	درجه
Research Assistant (Junior Assistant professor)	خیرنیار	معاون محقق	۱
Researcher (Assistant professor)	خیرندوی	محقق	۲
Researcher Fellow (Associate professor)	خیرندوال	معاون سرمحقق	۳
Senior Researcher Fellow (professor)	خیرنپوه	سرمحقق	۴

در دهه ۱۹۸۰ مجله *خراسان* توسط مرکز زبان‌ها و ادبیات منتشر شد و «دیپارتمنت گروه» زبان و ادبیات دری» به «انستیتوت» (پژوهشکده) ارتقا یافت. همچنین، زبان‌های باستانی و اقلیت، از جمله ازبکی، ترکمنی، پشه‌ای و نورستانی، در قالب پژوهشکده‌ها و کمیسیون‌های مستقل در «پژوهشکده زبان‌ها و ادبیات اقوام برادر» سازمان‌دهی شدند. تدوین الفبا و انتشار نتایج در ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، نقطه عطفی در نهادینه‌سازی چندزبانگی در ساختار علمی و فرهنگی کشور بود (جدول ۵) (آکادمی علوم افغانستان، بی‌تا).



جدول شماره ۵. تکثر زبانی افغانستان

نوع زبان و ادبیات	آغاز فعالیت
پامیری (مختص زبان‌ها)	۱۹۶۴م
پشه‌یی	۱۹۶۴م
نورستانی	۱۹۶۴م
بلوچی	۱۹۷۸م
ترکمنی	۱۹۷۹م
اوزبکی	۱۹۷۹م
شغنی	۱۹۹۰م
اورمری	۱۹۹۱م

۲-۵- مجاهدین (۱۹۹۶ - ۱۹۹۲)

پیروزی مجاهدین نه تنها به جنگ پایان نداد، بلکه با به قدرت رسیدن برهان‌الدین ربانی، فارسی‌زبان و تاجیک‌تبار، تنش‌های قومی تشدید شد. گلبدین حکمتیار، پشتون و پشتوزبان، این تحول را بدعتی سیاسی دانست و جنگ داخلی را آغاز کرد (طنین، ۱۳۸۴: ۳۹۹). در تاریخ افغانستان دومین بار بود که رهبری سیاسی به دست گروهی غیرپشتون می‌افتاد. به طور معمول، تنوع زبانی و مذهبی از عوامل بنیادین شکاف‌های قومی در کشور به‌شمار می‌رود (اونیل، ۱۳۸۶: ۶۳).

۲-۵-۱- طراحی سیاست

قانون اساسی در دوره ریاست برهان‌الدین ربانی تدوین شد، اما شرایط لازم برای تصویب آن فراهم نشد. از سوی دیگر، بیشتر فرمان‌های صادرشده در این دوره ماهیت نظامی و ائتلافی داشت و اقدامی رسمی در حوزه زبان صورت نگرفت.

۲-۵-۲- اجرای سیاست

روال سیاست‌گذاری‌های این دوره، تداوم سیاست‌های حکومت پیشین را نشان می‌دهد. اگرچه در کابل درگیری‌های نظامی جریان داشت، در سایر ولایات کشور روند اداری و اجرایی به صورت عادی ادامه یافت.

۲-۶- جمهوری اسلامی (۲۰۲۱-۲۰۰۱)

در سال ۲۰۰۱، با هدف مبارزه با تروریسم و ایجاد ثبات، روند تدوین قانون اساسی جدید افغانستان آغاز شد که نمایانگر اراده ملی تلقی می‌شود. این قانون در ۱۳ آذر ۱۳۸۲ آغاز و در ۲۶ دی ۱۳۸۲ به تصویب رسید (قانون اساسی، ۲۰۰۴).

۲-۶-۱- طراحی سیاست

۲-۶-۱-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۲۰۰۴/۱/۲۶

با تأسیس جمهوری اسلامی، قانون اساسی ۲۰۰۴ رویکردی تنوع‌محور در



سیاست‌گذاری زبانی اتخاذ کرد. اصل ۱۶، پشتو و دری را زبان‌های رسمی و زبان‌های اقلیت را در مناطق مربوطه به‌عنوان زبان سوم رسمی شناسایی کرد. دولت موظف به توسعه همه زبان‌ها، آموزش رایگان تا لیسانس و تدریس زبان مادری در مناطق قومی شد (اصل‌های ۱۶، ۴۳). سرود ملی به زبان پشتو و با نام اقوام تعیین شد (اصل ۲۰) و حق استفاده از زبان مادری در دادرسی تضمین گردید (اصل ۱۳۵).

- **فرمان‌ها:** در دهه‌های اخیر، سیاست‌گذاری زبانی در افغانستان با تمرکز بر نهادسازی و تنوع‌گرایی ادامه یافت. در ۲۰۰۲، براساس فرمان‌های ۱۱۶ و ۱۱۷ کرزی، مرکز دایرةالمعارف به وزارت اطلاعات و فرهنگ واگذار و آموزش انگلیسی در دانشکده‌های پزشکی و مهندسی الزامی شد. آکادمی علوم نیز پیشنهاد تأسیس مراکز زبانی جدید را مطرح کرد. در ۲۰۱۷، مرکز انکشاف زبان و ادبیات تشکیل شد؛ در ۲۰۱۹ کمیته رسیدگی به زبان‌های سوم و در ۲۰۲۱ برنامه فوق لیسانس زبان پشتو راه‌اندازی گردید.

۲-۶-۲- اجرای سیاست

پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۴، زبان‌های پشتو و دری به‌عنوان زبان رسمی دولت تثبیت شد و ترویج دیگر زبان‌های ملی نیز مورد تأکید قرار گرفت (فرنگیس، ۲۰۰۳؛ هاتساند، ۲۰۱۹). مرکز دایرةالمعارف با دو زبان رسمی فعالیت خود را از سر گرفت (فرمان ۱۱۶) و نهادهایی چون مرکز زبان‌ها و ادبیات و گروه زبان‌های پامیری در آکادمی علوم تأسیس شد (شامل ۱۴ مرکز، ۴۴ پژوهشکده، ۸۴ گروه). قانون تعلیم و تربیت ۲۰۱۰ آموزش را به زبان اکثریت هر منطقه تعیین و از کلاس چهارم تدریس زبان ملی دیگر را الزامی ساخت؛ اما مشکلات اجرایی موجب تأخیر تحصیلی در میان اقلیت‌ها شد (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶). از ۲۰۰۶، تصویب سرود ملی به پشتو و گسترش نمادهای رسمی، سیاست هویت‌سازی زبانی را تقویت کرد. در کنار توسعه زبان‌هایی چون ازبکی و ترکمنی، آموزش زبان انگلیسی در فرمان ۴۵ سال ۲۰۱۲ و رشته‌های آلمانی و ازبکی گسترش یافت. در ۲۰۱۳، پخش رسانه‌ها به زبان‌های بیگانه ممنوع شد (مرکز خبرنگاران افغانستان، ۱۳۹۱). باوجود رسمی بودن دو زبان، دری در ادارات و قضا مرسوم بود (فرنگیس، ۲۰۰۳).

در دوره اشرف غنی، سیاست‌گذاری زبانی در چهارچوب قانون اساسی و با اقدامات نمادین مانند تعیین «روز ملی زبان ازبکی» (۲۱ اکتبر ۲۰۱۹) ادامه یافت (کوهکن، ۲۰۲۰). وزارت معارف به آموزش کودک‌محور به زبان مادری پایبند ماند؛ اما کمبود منابع و معلمان مانع اجرا شد. در ۲۰۱۶، زبان پشتو به ترجمه‌گر گوگل افزوده شد، نخستین لیسه (دبیرستان) پشتوزبان در هرات تأسیس یافت و آموزش انگلیسی



برای کارکنان دولتی آغاز شد. همچنین، تفاهم‌نامه‌هایی با حمایت بریتانیا برای بهبود آموزش زبان امضا شد. معاونت اول ریاست جمهوری با برگزاری سمینار، بستر آرشيو ادبیات زبان‌های اقلیت مانند پشه‌ای و نورستانی را فراهم ساخت (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶). آکادمی علوم در ۲۰۱۷ الفبای منجانی را تدوین و دیپارتمنت (گروه) زبان‌های باستانی را به انستیتوت (پژوهشکده) ارتقا داد. دولت نیز از ایجاد کرسی زبان پشتو در ایران خبر داد. در ۲۰۱۸، آثار اقبال لاهوری به دری ترجمه و گروه زبان پشه‌ای تأسیس شد. قاموس‌های لهجه‌ای مانند «قاموس لهجوی پشتو» و «قاموس آریانا» تدوین شد و کتابخانه آکادمی در آن زمان دارای ۱۳۳۴۵ عنوان کتاب در بخش توزیع و ۸۸۵۶ عنوان در بخش مرجع به زبان‌های ملی و مورد تأیید یونسکو بود؛ ساختار سازمانی آن نیز شامل ریاست و دو معاونت علوم بشری و علوم اسلامی می‌شد (جدول‌های ۶ و ۷) (آکادمی علوم افغانستان، بی‌تا).

جدول شماره ۶. ساختار کتابخانه آکادمی

انستیتوت‌های زبان و ادبیات										
باستانی			ترکمنی و اوزبکی	اقوام برادر	دری			پشتو		
مهمم	مدیریت	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	مهمم	مدیریت	دیپارتمنت (بست علمی)	مهمم	مدیریت	دیپارتمنت (بست علمی)
جریده تفکر	جریده تفکر	زبان‌های پامیری	زبان ترکمنی	زبان‌های پشه‌یی	مجله خراسان	مجله خراسان	متن‌شناسی مولانا جلال الدین محمد بلخی (۲)	مجله کابل	مجله کابل	ادبیات و متن‌شناسی (۳)
			زبان اوزبکی				فلکلور (۲)	جریده زیری	جریده زیری	فلکلور و ادبیات شفاهی (۳)
										۴



							زبان‌شناسی (۱)			زبان‌شناسی (۲)	۴
							فقد و تئوری (۱)				۴

جدول شماره ۷. ریاست مرکز تفسیر و حدیث

انسیتوت‌ها					
تفسیر	حدیث	فقه	قانون	عقیده	ثقافت
دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)	دیپارتمنت (بست علمی)
تفسیر (۳)	حدیث (۲)	فقه (۱)	قانون (۱)	عقیده (۲)	ثقافت (۲)
		تصوف فقه	زن و خانواده (۲)	تصوف (۱)	

در سال ۲۰۱۹، دولت افغانستان نه جلد فرهنگ لغت به زبان‌های رسمی تدوین کرد و به دستور رئیس‌جمهور، دامنه آن به زبان‌های اقلیت چون پشه‌ای، ترکمنی، بلوچی و نورستانی گسترش یافت؛ در ۲۰۲۰، فرهنگ لغت «پشه‌ای - پشتو» نیز تهیه شد. اشرف غنی در نشست «گفتمان تاریخ، فرهنگ و هویت ملی»، دری را خاستگاه افغانستان دانست که واکنش‌هایی در فضای تنش‌زای زبانی برانگیخت (بی.بی.سی فارسی، ۲۰۲۰). وزارت معارف چاپ و توزیع ۷۲۷۳۶ جلد و برنامه چاپ ۹۲۳۳۲۹ جلد کتاب درسی اقلیت‌ها را گزارش داد، ولی این کتاب‌ها فقط تا کلاس ششم تهیه شد و زبان آموزش همچنان تابع زبان اکثریت ماند (وزارت تحصیلات عالی، ۲۰۱۶). رادیو و تلویزیون ملی بیشتر به دو زبان رسمی فعالیت می‌کرد و برنامه روزانه به زبان ازبکی حدود ۳۰ دقیقه بود؛ تولیدات مستقل اقلیت‌ها محدود و نشریات دولتی تا پایان جمهوری فقط به دو زبان رسمی منتشر می‌شدند (جدول ۸) (کوهکن، ۲۰۲۰). قوانین، تابلوها و مکاتبات رسمی نیز به پشتو و دری بود؛ اما در عمل، دری گستره بیشتری داشت و زبان‌های اقلیت جز در موارد نادر، وارد نظام اداری نشدند.



جدول شماره ۸. نشرات موقوت آکادمی علوم، با در نظر داشت وقفه‌ها و مراحل نشراتی

شماره	نام نشریه	سال تأسیس به هجری شمسی با ذکر وقفه‌های نشراتی و آغاز مجدد	زبان نشراتی	موعد نشر	ناشر
۱	مجله کابل	۱۳۷۶ - ۱۳۷۱	پشتو	ماهانه ۱۵ روزه دو ماهه ماهانه سه ماهه	مرکز زبان‌ها و ادبیات، انستیتوت زبان پشتو
		۱۳۷۶ سه شماره در یک جلد (۱-۳)			
		۱۳۸۰			
		از آغاز سال ۱۳۹۷ سه ماهه			
۲	مجله آریانا	۱۳۷۱ - ۱۳۲۱	پشتو و دری	ماهانه سه ماهه	مرکز علوم اجتماعی
		۱۳۷۵ یک شماره			
		۱۳۷۸ یک شماره			
		۱۳۸۰ یک شماره			
۳	مجله افغانستان	۱۳۷۱ - ۱۳۲۵	انگلیسی	سه ماهه	مرکز علوم اجتماعی
		۱۳۸۲			
		۱۳۸۷			
		۱۳۹۴			
۴	مجله تحقیقات کوشانی	۱۳۵۷	دری، پشتو و انگلیسی	سه ماهه	مرکز بین‌المللی تحقیقات کوشانی
		۱۳۶۰ - ۱۳۷۰			
		۱۳۸۱			
۵	مجله باستان‌شناسی افغانستان	۱۳۵۸ - زمستان ۱۳۶۶	دری، پشتو و انگلیسی	سه ماهه	مرکز باستان‌شناسی
		۱۳۶۸ - صرف شماره‌های ۱۵ و ۱۶			
		۱۳۸۴			
۶	مجله پشتو	۱۳۵۶ - ۱۳۷۰	زبان‌های یونسکو	سه ماهه	مرکز بین‌المللی تحقیقات پشتو
		۱۳۸۱			
۷	مجله خراسان	۱۳۵۹ الی شماره ۴۲	دری	سه ماهه دو ماهه سه ماهه	مرکز زبان‌ها و ادبیات، انستیتوت زبان دری
		۱۳۷۰ الی شماره‌های ۴۳ و ۴۴			
		۱۳۸۱			



			بعد از سال ۱۳۹۵ سه ماهه		
معاونیت بخش علوم طبیعی - تخریکی	شش ماهه سه ماهه	دری و پشتو	۱۳۶۸ صرف یک شماره	مجله طبیعت	۸
			۱۳۷۴ صرف یک شماره		
			۱۳۸۱		
معاونیت بخش علوم اسلامی	سه ماهه	دری و پشتو	۱۳۷۹	مجله تبیان	۹
			۱۳۸۱ صرف دو شماره		
			۱۳۸۳		
مرکز مطالعات منطقی	سه ماهه	دری و پشتو و انگلیسی	۱۳۸۵	مجله سیمه ییز و مطالعات	۱۰
مرکز زبان‌ها و ادبیات، انستیتوت زبان پشتو	هفته نامه فعلاً ۱۵ روزه	پشتو	۱۳۲۰ - ۱۳۱۶	جریده زیری	۱۱
			۱۳۶۵ - ۱۳۳۱		
			۱۳۸۱		
مرکز زبان‌ها و ادبیات، انستیتوت زبان‌ها و ادبیات اقوام برادر	ماهانه	دری، پشتو، زبان‌های اوزبکی، ترکمنی، نورستانی، پشه‌یی و غیره	۱۳۸۶	جریده تفکر	۱۲
معاونیت بخش علوم طبیعی - تخریکی	شش ماهه	پشتو، دری و زبان‌های یونسکو	۱۳۸۶	اخبار ساینس	۱۳

براساس داده‌های آرشویی آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) در سال ۲۰۱۷ زبان دری حدود ۸۰ درصد جمعیت افغانستان را پوشش می‌داد و به‌عنوان زبان مشترک (لینگوا فرانکا) ایفای نقش می‌کرد؛ زبان پشتو نیز حدود ۴۷ درصد از گویشوران را شامل می‌شد (سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، ۲۰۱۷). پس از آن، زبان ازبکی با تقریباً ۱۱ درصد و زبان‌های دیگر زیر ۲ درصد قرار داشتند. با توجه به چندزبانگی رایج در افغانستان، درصدهای گزارش شده از ۱۰۰ درصد فراتر می‌روند؛ چراکه پاسخ‌دهندگان می‌توانند بیش از یک زبان را گزارش دهند. طبق برآورد یونسکو حدود ۸۰ درصد جمعیت به یکی از دو زبان رسمی تسلط دارند (یونسکو، ۲۰۱۰). ترکیب زبانی افغانستان در سال ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد.

۲-۷- طالبان

جنبش طالبان به رهبری ملا محمد عمر در سال ۱۹۹۴ در مناطق پشتون‌نشین جنوب



افغانستان شکل گرفت و در ۱۹۹۶ بر بخش بزرگی از کشور مسلط شد. رهبران این گروه با تکیه بر سنت پشتون‌والی، تلاش داشتند این ساختار فرهنگی را در سطح ملی پیاده کنند (رشید، ۱۳۸۲: ۲۲۶). پس از سقوط حکومت طالبان در پی حمله ایالات متحده، این گروه در ۲۰۲۱ با استناد به توافق‌نامه دوحه و تحت رهبری ملا هبت‌الله آخندزاده بار دیگر به قدرت بازگشت.

۲-۷-۱- طراحی سیاست

به موجب حکم شماره ۴۲۵۲ (۱۴۰۲/۳/۲۸)، رهبر طالبان، ملا هبت‌الله آخندزاده، استفاده از مخفف‌های انگلیسی را در مکاتبات و قراردادهای اداری ممنوع و جایگزینی آن با مخفف‌های پشتو را الزامی اعلام کرد. وی همچنین در واکنش به تنش‌های زبانی، بر ضرورت پرهیز از تبعیض میان زبان‌های رسمی و مناطق مختلف تأکید کرد و خواستار ارجاع متخلفان به دادگاه شد. در ادامه، وزارت تحصیلات عالی در حکم شماره ۵۹۰ (۲۰۲۳/۵/۲۷) تمامی اساتید دانشگاه را ملزم به تسلط بر هر دو زبان رسمی (پشتو و دری) و توانایی تدریس به هر دو زبان کرد. همچنین، استفاده از واژگان خارجی، به‌ویژه فارسی ایرانی، در آثار علمی و اداری ممنوع اعلام شد. در همین راستا، نخست‌وزیر طالبان، ملا محمدحسن آخوند، دستور تأسیس «شورای عالی زبان‌های افغانستان» را با هدف غنی‌سازی و معیاری‌سازی زبان‌های ملی صادر نمود (روزنامه ۸ صبح، ۲۰۲۳).

۲-۷-۲- اجرای سیاست

در دوره نخست حکومت طالبان (۲۰۰۱ - ۱۹۹۶)، با وجود فقدان سیاست زبانی رسمی، پشتو به زبان غالب بدل شد و زبان‌های دری و اقلیت از حوزه رسمی به حاشیه رانده شدند (دیناخیل، ۲۰۱۸: ۸۶). رسانه‌های مستقل بسته شدند و تنها «صدای شریعت» به پشتو و دری فعالیت داشت. در ادارات، پشتو غالب شد و تابلوهای فارسی با پشتو جایگزین گردیدند (ماگنوس، ۱۳۸۰: ۴۵).

در دوره دوم حکومت طالبان، با وجود تصریح رسمی به دو زبان دری و پشتو، تمرکز عملی بر تقویت پشتو است. اظهارات برخی مقام‌های طالبان در رد تبعیض زبانی (خبر آنلاین، ۱۴۰۳) با عملکرد حکومتی تطابق ندارد؛ زیرا زبان‌های اقلیت از آموزش و رسانه محدود شده‌اند (قانون اساسی، ۲۰۰۴). نشست «شورای عالی زبان‌ها» و سیاست‌نامه پانزده‌ماده‌ای زبانی اجرایی نشده است. واژگان فارسی چون «دانشگاه» حذف و معادل‌های پشتویی جایگزین شده‌اند (لنگر، ۱۴۰۲). تابلوها به پشتو و انگلیسی تغییر یافته و استناد به قوانین دوره جمهوری ۱۹۸۷، از سر گرفته شده است.



مناسبت‌های فرهنگی مرتبط با تمدن فارسی نیز به‌دلیل پیوند با ایران از تقویم رسمی حذف شده‌اند (خبر آنلاین، ۱۴۰۳).

در این دوره، آموزش اجباری پشتو برای کارمندان، جایگزینی تابلوهای فارسی با پشتو (به‌ویژه در هرات و بلخ) و حذف مناسبت‌هایی چون «روز زبان ازبکی» اجرا شده است (شفقنا، ۱۴۰۳؛ کابل نو، ۲۰۲۴). همکاری با نهادهایی چون التنال العربی اردن موجب رشد مدارس دینی از ۱۳۵۶ به ۶۸۳۰ مرکز و افزایش دانش‌آموزان از ۲۱۸۰۰۷۸ به ۶۱۷۰۶۷۸ نفر (تا ۲۰۲۳) شد. این گسترش با تعطیلی مکاتب دخترانه همراه بوده است (ره‌نوش، ۱۴۰۲). آموزش مضامین زبانی در مکاتب مطابق جداول (۹ و ۱۰) و ترجمه قرآن به پشتو ادامه یافته و مکاتبات اداری بیشتر به پشتو انجام می‌شود. تمرکز سیاست زبانی بر تقویت پشتو و تضعیف تدریجی زبان‌های اقلیت است.

جدول شماره ۹. گویشوران افغانستان و درصد تقریبی آنها

زبان	سهم تقریبی گویشوران %	پراکندگی جغرافیایی عمده
دری (فارسی)	۸۰٪	اکثر ولایات مرکز و غرب (کابل، هرات، غور، بامیان، پروان، بلخ و غیره)
پشتو	۴۷٪	ولایات جنوبی و شرقی (قندهار، هلمند، پکتیکا، لغمان، ننگرهار، کاپیسا و غیره)
ازبکی	۱۱٪	ولایات شمالی (بلخ، فاریاب، جوزجان، سرپل، سمنگان)
ترکمنی	۲٪	مناطق شمال غرب (جوزجان، فاریاب)
بلوچ	۱٪	جنوب غرب (ولایت نیمروز و بخش‌هایی از هلمند و قندهار)
پشه‌ای	۱٪	بخش‌هایی از شرق (ولسوالی‌های پشه‌ای نشین لغمان، کنر و نورستان)
نورستانی	۱٪	ولایت نورستان (شمال شرق)
پامیری (شغنایی)	۰٫۵٪	مناطق کوهستانی ولایت بدخشان (شغنایان، واخان)
سایر زبان‌ها	کمتر از ۱٪ (هر کدام)	شامل زبان‌های گوجری، عربی، انگلیسی و چند زبان کوچک دیگر



جدول شماره ۱۰. دروس و زبان تدریس آن در افغانستان

دوازدهم	تعلیمات اسلامی	جمعوری	ریاضی	کپیوتر			دری	تفسیر
صنف	تعلیمات اسلامی	جمعوری	ریاضی	کپیوتر			دری	تفسیر
یازدهم	تعلیمات اسلامی	جمعوری	ریاضی	کپیوتر		جنولوژی	دری	تفسیر
صنف دهم	تعلیمات اسلامی	جمعوری	ریاضی	حرفه	هنر سامی	عربی	دری	تجوید
صنف نهم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی		هنر سامی	عربی	دری	
صنف هشتم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	حرفه	هنر سامی	عربی	دری	تجوید
صنف هفتم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	حرفه	هنر سامی	عربی	دری	تجوید
صنف ششم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	اجتماعیات	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم
صنف پنجم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	اجتماعیات	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم
صنف چهارم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	اجتماعیات	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم
صنف سوم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	مهارت‌ها	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم
صنف دوم	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	مهارت‌ها	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم
صنف اول	علوم دینی ح	علوم دینی ح	ریاضی	مهارت‌ها	هنر سامی	حسن خط	دری	قرآن کریم



بیالوژی	پشتو	جغرافیه	تاریخ	فزیک	کیمیا		م.مدنی	انگلیسی
بیالوژی	پشتو	جغرافیه	تاریخ	فزیک	کیمیا		م.مدنی	انگلیسی
بیالوژی	پشتو	جغرافیه	تاریخ	فزیک	کیمیا		م.مدنی	انگلیسی
بیالوژی	پشتو	جغرافیه	تاریخ	فزیک	کیمیا	وطن دوستی	م.مدنی	انگلیسی
بیالوژی	پشتو	جغرافیه	تاریخ	فزیک	کیمیا	وطن دوستی	م.مدنی	انگلیسی
	پشتو	ساینس						انگلیسی
	پشتو	ساینس						انگلیسی
	پشتو	ساینس						انگلیسی

بر اساس برآوردهای سال ۲۰۲۳ میلادی، از جمله گزارش‌های منتشر شده توسط سیا، حدود ۷۷ درصد از جمعیت افغانستان به زبان دری (فارسی افغانستان) و حدود ۴۸ درصد به زبان پشتو سخن می‌گویند. پس از این دو زبان، ازبکی با حدود ۱۱ درصد در رتبه سوم قرار دارد و زبان‌های ترکمنی و اردو هرکدام حدود ۳ درصد از جمعیت را شامل می‌شوند (سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، ۲۰۲۳). جدول زیر توزیع تفصیلی تری از گویشوران زبان‌های مختلف افغانستان را نمایش می‌دهد.



جدول شماره ۱۱. توزیع تفصیلی گویشوران زبان‌های مختلف در افغانستان

زبان	درصد تقریبی جمعیت
دری (فارسی)	٪۷۷
پشتو	٪۴۸
ازبکی	٪۱۱
ترکمنی	٪۳
اردو	٪۳
پشه‌ای	٪۱
بلوچی	٪۱
نورستانی	٪۱
عربی	٪۱

با این حال، داده‌ها به روشنی نشان می‌دهند که زبان‌های دری و پشتو به‌عنوان زبان‌های مرسوم کشور شناخته می‌شوند و زبان‌های اقلیت تنها بخش کوچکی از ترکیب زبانی جمعیت را تشکیل می‌دهند. جدول (۱۲)، خلاصه‌ای از تغییرات کلیدی سیاست‌های زبانی طالبان را در حوزه‌های مختلف در دو دوره حاکمیت آن‌ها نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۱۲. روند تحولات سیاست‌گذاری زبانی در افغانستان به تفکیک دوره‌های تاریخی

دوره تاریخی	زمینه‌های تاریخی	طراحی و اجرا یات زبانی	ارزیابی سیاست زبانی
ابدالیان (۱۷۴۷-۱۸۲۳)	- تشکیل حکومت مرکزی توسط احمدشاه درانی - اطلاق نام «افغانستان» - توسط منابع انگلیسی	- استفاده از شعر فارسی بر روی سکه‌ها و مهرهای سلطنتی - نگارش «تاریخ احمدشاهی» به زبان فارسی - انتشار دیوان اشعار تیمورشاه به پشتو و دری	- فارسی زبان رسمی دربار و مکاتبات - پشتو زبان محلی و غیررسمی - نبود تعصب زبانی به دلیل تریبیت شاهان در محیط فارسی‌زبان
محمدزایی (۱۸۲۳-۱۹۱۹)	- جنگ‌های اول و دوم افغان - انگلیس - جهاد امیر عبدالرحمان علیه هزاره‌ها - مهاجرت اجباری اقوام و سیاست‌های قومی	- تدوین رساله‌های نظامی - ترجمه اصطلاحات نظامی به پشتو - ورود پشتو به مکاتبات اداری - چاپ «پندنامه» و ترجمه آن به انگلیسی و روسی	- فارسی همچنان زبان اداری و سلطنتی - ورود تدریجی پشتو به حوزه آموزش و نظام - بروز شکاف‌های قومی با زیرلایه زبانی
عصر مشروطه	- استقلال افغانستان	- تصویب رسمی زبان‌های	- فارسی زبان غالب در حکومت



<p>و فرهنگ - آغاز رسمی‌سازی پشتو - تلاش برای بازسازی هویت ملی بر مبنای زبان پشتو - بروز نارضایتی‌های زبانی در نواحی فارسی‌زبان</p>	<p>پشتو و دری - ملی اعلام شدن پشتو - چاپ تمام کتب درسی به پشتو - تغییر تابلوهای دولتی به پشتو - ایجاد دارالترجمه‌های رسمی به پشتو</p>	<p>(۱۹۱۹) - تصویب نخستین قانون اساسی (۱۹۲۳) - پادشاهی اولین فرد غیرپشتون - کودتا و جمهوریت - سردار داوودخان (۱۹۷۳)</p>	<p>(۱۹۱۹-۱۹۷۸)</p>
<p>- دری زبان مرسوم در دستگاه حکومت و روشنفکری - حذف اصل زبانی برای مصلحت‌های جناحی (خلق/پرچم) - فارسی زبان نخبگان؛ پشتو زبان ایدئولوژی حزبی</p>	<p>- سرود ملی به پشتو - انتشار قوانین و متون رسمی به هر دو زبان - درج رتبه‌های دانشگاه به زبان پشتو - افزایش استفاده از واژگان روسی</p>	<p>- کودتای ۱۹۷۸ و اعلام جمهوری - دموکراتیک خلق - اشغال نظامی شوروی (۱۸۸-۱۹۷۹) - جنگ داخلی و خروج شوروی</p>	<p>جمهوری دموکراتیک خلق (۱۹۷۸-۱۹۹۲)</p>
<p>- تحریک احساسات قومی پس از دوره کلکانی - فقدان سیاست زبانی منسجم - گسترش غیررسمی کاربرد زبان‌های قومی - بازتولید شکاف‌های زبانی میان گروه‌های مسلح</p>	<p>- استمرار نسبی سیاست زبانی پیشین - صدور فرامین عمدتاً درون‌حزبی به زبان دری</p>	<p>- تأسیس دولت موقت اسلامی - سقوط حکومت کمونیستی - جنگ‌های داخلی - میان‌احزاب جهادی</p>	<p>دوره مجاهدین (۱۹۹۲-۱۹۹۶)</p>
<p>- تکثر زبانی بی‌سابقه در سطح رسانه و آموزش - برتری عملی زبان دری در دولت و آموزش عالی - رشد بی‌سابقه زبان‌های محلی و انگلیسی (کرزی) - شکاف‌های زبانی و اولویت‌بخشی سیاسی به پشتو در دوره غنی</p>	<p>- پشتو و دری به‌عنوان زبان‌های رسمی - به رسمیت شناختن زبان‌های محلی در ماده ۱۶ قانون اساسی - تدریس اجباری انگلیسی (کلاس چهارم به بعد) و عربی در مدارس و دانشگاه‌ها - پخش برنامه‌ها به زبان اقلیت‌ها در رسانه ملی</p>	<p>- تشکیل دولت موقت با حمایت بین‌المللی (۲۰۰۱) - تصویب قانون اساسی ۲۰۰۴ - توافق‌نامه دوحه ۲۰۲۰ - خروج نیروهای خارجی ۲۰۲۱</p>	<p>جمهوری اسلامی (۲۰۰۱-۲۰۲۱)</p>
<p>- غلبه زبان پشتو در ساختار قدرت - ناآشنایی رهبری طالبان با زبان دری - گسترش کاربرد عربی به‌عنوان زبان ایدئولوژیک - مذهبی - سرکوب غیررسمی زبان‌های محلی و اقلیت‌ها</p>	<p>- تأکید بر «برابری» دری و پشتو در سخن - الزامی شدن تسلط استادان به پشتو و دری - حذف اصطلاحات فارسی در اسناد رسمی - گسترش آموزش عربی در مدارس دینی</p>	<p>- تأسیس امارت اسلامی طالبان (۱۹۹۶) - سقوط توسط ائتلاف امریکا (۲۰۰۱) - بازگشت به قدرت پس از توافق‌نامه دوحه</p>	<p>طالبان (۲۰۰۱-۱۹۹۶) و (اکنون-۲۰۲۱)</p>



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در قرن بیستم، به‌ویژه از دهه ۱۹۳۰م، زبان در سیاست‌های هویتی افغانستان به عنصر محوری ملت‌سازی بدل شد. نام‌گذاری رسمی کشور به «افغانستان»، که در آن واژه «افغان» مترادف پشتون تلقی می‌شد، در میان اقوام غیرپشتون احساس بیگانگی ایجاد کرد؛ چراکه این نام، به‌جای بازتاب تنوع قومی - زبانی، حامل نوعی برتری‌جویی یک‌سویه بود؛ درحالی‌که تاریخ و فرهنگ این سرزمین با زبان فارسی پیوند عمیق داشت، سیاست‌های جدید به‌سوی انکار این میراث فرهنگی گرایش یافتند. امیر امان‌الله‌خان، که در پی اصلاحات سیاسی و اجتماعی بود، با چالش‌هایی جدی روبه‌رو شد؛ چراکه زبان علمی این اصلاحات فارسی بود و پشتو ظرفیت لازم برای انتقال مفاهیم مدرن را نداشت. در این راستا، «پشتو تولنه» (انجمن پشتو) برای توسعه واژگان علمی و تقویت زبان پشتو تأسیس شد. با وجود این تلاش‌ها، اصلاحات وی به‌دلیل مقاومت‌های فرهنگی ناکام ماند. از دهه ۱۹۳۰ به‌بعد، با تأثیرپذیری از ناسیونالیسم اروپایی (مانند آلمان نازی و ترکیه آتاتورک)، پروژه یک‌دست‌سازی فرهنگی با محوریت زبان پشتو و نمادهای پشتون‌والی شتاب گرفت؛ امری که به تعمیق شکاف‌های قومی و زبانی انجامید.

در طول ۲۸۰ سال گذشته، سلطه سیاسی پشتون‌ها در ساختار دولت، زبان پشتو را از جایگاه محلی به موقعیت رسمی ارتقا داده است. با وجود تلاش‌های مکرر برای جایگزینی واژه «دری» به‌جای «فارسی» و کاستن از پیوندهای تاریخی آن، فارسی دری همچنان به‌عنوان زبان میانجی با بیشترین شمار گویشوران باقی مانده و دسترسی به آن برای ارتباطات علمی و بین‌قومی ضرورت یافته است. در دوره جمهوری اسلامی افغانستان، سیاست چندزبانگی برای نخستین بار رسمیت یافت؛ زبان سوم وارد آموزش رسمی شد و زبان‌های محلی به‌مثابه میراث فرهنگی به‌رسمیت شناخته شدند. زبان انگلیسی در نهادهای دانشگاهی گسترش یافت و زبان عربی نیز جایگاه تاریخی خود را در مدارس دینی حفظ کرد. با این حال، شکاف پایدار میان دو جناح زبانی - فرهنگی کشور همچنان پابرجاست؛ یکی دارای سلطه سیاسی اما فاقد پشتوانه فرهنگی و دیگری برخوردار از میراث فرهنگی اما فاقد اقتدار حکومتی. این شکاف، که از دهه ۱۹۳۰ به‌صورت ساختاری در دولت نهادینه شد، تا امروز مانعی جدی در مسیر شکل‌گیری وحدت پایدار ملی بوده است.



چند راهکار و پیشنهاد

۱- تشویق ازدواج‌های میان‌قومی

تجربه تاریخی دوره شاهی از زمان احمدشاه ابدالی نشان می‌دهد که والدین با ترکیب قومی متفاوت، در کاهش تعصبات قومی نسل‌های بعد نقش مؤثری داشته‌اند. پیوند عاطفی فرزندان با والدین، آنان را با ارزش‌های فرهنگی هر دو قوم آشنا می‌سازد و زمینه تلفیق این عناصر در هویت فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد که موجب شکل‌گیری هویت ملی از دل جامعه می‌شود. اقدامات شاهان ابدالی با والدین دوسویه قومی، مصداقی از آن تلقی می‌شود (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۲۲).

۲- از تکثر زبانی به تک‌زبانی

زبان‌های محلی بخش مهمی از میراث فرهنگی افغانستان‌اند؛ اما در نظام آموزشی جایگاه مناسبی نیافته‌اند. ناآشنایی برخی دانش‌آموزان با فارسی، انگیزه یادگیری را کاهش می‌دهد؛ درحالی‌که بیشتر مفاهیم علمی با زبان دری معادل‌سازی شده‌اند. جدول شماره ۱۳ ساختار آموزشی را در سه منطقه (دری‌زبان، پشتوزبان و زبان‌های سوم مانند ازبکی، بلوچی و پشه‌ای) براساس مضامین، متون آموزشی و زبان تدریس نشان می‌دهد. جدول شماره ۱۳. ساختار آموزشی در سه منطقه زبانی افغانستان براساس مضامین، متون آموزشی

و زبان تدریس

کلاس	زبان‌های سوم			پشتو			فارسی (دری)		
	مضامین	متن کتاب‌ها	توضیح (تدریس)	مضامین	متن کتاب‌ها	توضیح (تدریس)	مضامین	متن کتاب‌ها	توضیح (تدریس)
اول تا سوم	تدریس به زبان مادری			تدریس به زبان پشتو			تدریس به زبان دری		
چهارم تا ششم	علوم اجتماعی	دری	زبان مادری	علوم اجتماعی	دری	پشتو	علوم اجتماعی	دری	دری
	علوم پایه	دری	زبان مادری	علوم پایه	دری	پشتو	علوم پایه	دری	دری
	برگزاری کلاس زبان دری و پشتو (اجباری)			برگزاری کلاس زبان دری و پشتو (اجباری)			برگزاری کلاس زبان پشتو و یکی از زبان‌های سوم		



(اجباری)									
اجتماعی علوم	دري	دري	دري / پشتو	اجتماعی علوم	دري	اجتماعی علوم	دري	دري	هفتم تا نهم
اجتماعی علوم پایه	دري	دري	دري / پشتو	اجتماعی علوم پایه	دري	اجتماعی علوم پایه	دري	دري	
برگزاری کلاس زبان پشتو و یکی از زبان‌های سوم (اجباری)			برگزاری کلاس زبان دري و یکی از زبان‌های سوم (اجباری)			برگزاری کلاس زبان پشتو (اجباری)			
اجتماعی علوم	دري	اجتماعی علوم	دري	اجتماعی علوم	دري	اجتماعی علوم	دري	اجتماعی علوم	دهم تا دوازدهم
اجتماعی علوم پایه	دري	دري	دري	اجتماعی علوم پایه	دري	اجتماعی علوم پایه	دري	دري	
برگزاری کلاس زبان پشتو و یکی از زبان‌های سوم (اجباری)			برگزاری کلاس زبان پشتو و یکی از زبان‌های سوم (اجباری)			برگزاری کلاس زبان پشتو (اجباری)			

منابع

- آکادمی علوم افغانستان. (بی‌تا). «معرفی آکادمی علوم افغانستان». بازیابی شده از: <https://asa.gov.af/page/1254>
- اسلامی، روح‌الله؛ حصین، بصیراحمد؛ اطهری، سید حسین (۱۴۰۳). «سازوکار ایدئولوژی فارسی‌زدایی در افغانستان»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ۲۵ (۱)، شماره پیاپی ۹۷، صص ۹۴-۹۱.
- اشرف، احمد؛ نیولی، گراد؛ شهبازی، شیاپوری (۱۳۹۵). هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی. تهران: نشر نی.
- افغان، نجم‌الدین فریاد (۱۳۸۴). نگرشی بر تاریخ معاصر افغانستان. پشاور: انجمن نشراتی دانش.
- اونیل، پاتریک (۱۳۸۶). مبانی سیاست تطبیقی (سعید میرترابی، مترجم). تهران: قومس.
- بی.بی.سی. فارسی (۲۰۲۰، ۹ فبروری). «اشرف غنی: برای بازتعریف هویت ملی نیاز به اجماع داریم».



- بازیابی شده از: <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-51425535>.
- بلومفیلد، لئونارد (۱۳۷۹). *زبان* (علی محمد حق شناس، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
 - پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۲). *افغانستان: اقوام - کوچ‌نشینی: مجموعه مقالات*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - حبیبی، عبدالحی (۱۳۴۱). *پشتو و لویکان غزنه*. کابل: نشریات انجمن تاریخ: ۴-۵.
 - حقایق، بابک؛ ریاحی‌پور، بابک (۱۳۷۷). *دائرةالمعارف بزرگ زرین*. تهران.
 - خانلری، پروین‌ناتل (۱۳۴۷). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
 - خبرآنلاین. (۱۴۰۳). «دستور رهبر طالبان درباره زبان فارسی / ملامت‌الله مجازات تعیین کرد». بازیابی شده از: <https://www.khabaronline.ir/photo/1907999>
 - *دائرةالمعارف آریانا* (۱۹۵۶). ج ۳. کابل: ۸۷۰-۴۱۰.
 - دولت‌آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۷). *شناسنامه افغانستان*. تهران: انتشارات عرفان.
 - دیکشنری کمبریج (بی‌تا). *تعریف زبان مادری*. بازیابی شده از: MOTHER TONGUE | English meaning - Cambridge Dictionary.
 - ----- (بی‌تا). *تعریف زبان محلی*. بازیابی شده از: VERNACULAR | English meaning - Cambridge Dictionary
 - راهی، ا. (۲۰۲۰). «زمانی که زبان اردو در افغانستان زبان غالب بود». *اکسپرس تریبیون*. بازیابی شده از: <https://tribune.com.pk/article/97514/when-urdu-was-the-dominant-language-in-afghanistan>
 - رشید، احمد (۱۳۸۲). *طالبان: زنان، تجارت مافیاء و پروژه عظیم نفست در آسیای مرکزی* (نجله خندق، مترجم). تهران: نشر بقیعه.
 - رضوی غزنوی، علی (۱۳۵۷). *نثر در افغانستان: سی قصه*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
 - روزنامه ۸ صبح (۱۴۰۲). «ایجاد شورای عالی زبان‌ها: اقدام علمی یا پروژه سیاسی؟» بازیابی شده از: <https://8am.media/fa/creation-of-the-supreme-council-of-languages-scientific-action-or-political-project>
 - رهنوش (۱۴۰۲). «سیاست زبانی طالبان؛ نگرانی اقلیت‌های زبانی در افغانستان. بی‌بی‌سی فارسی». بازیابی شده از: <https://www.bbc.com/persian/articles/czv1xyq8n27o>
 - سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.
 - سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (۲۰۱۷). «منابع اطلاعاتی (Publications and Resources) آرشیو اینترنتی Wayback Machine». بازیابی شده از: <https://web.archive.org/web/20180429155835/https://www.cia.gov/library/publications/resources>.
 - سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده. (۲۰۲۳). «افغانستان - کتاب واقعیات جهان» (The World Factbook). بازیابی شده از: Afghanistan - The World Factbook.
 - کابل نو (۲۰۲۴). «روز زبان ازبکی در فاریاب؛ بزرگداشت در میان نگرانی‌ها از تبعیض زبانی». بازیابی شده از: <https://kabulnow.com/2024/10/uzbek-language-day-celebrated-in-faryab-amid-concerns-of-linguistic-discrimination/>
 - شفقنا افغانستان (۲۰۲۳). «گزارش درباره تبعیض زبانی و قومی». بازیابی شده از: <https://af.shafaqna.com/FA/622470>
 - شفقنا (۱۴۰۳). «طالبان آموزش زبان پشتو را برای کارمندان دولتی در دایکندی اجباری کردند». خبرگزاری شیعیان افغانستان. بازیابی شده از: <https://af.shafaqna.com/FA/622470>
 - صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: انتشارات فردوس.



- طنین، ظاهر (۱۳۸۴). *افغانستان در قرن بیستم ۱۹۹۶ - ۱۹۰۰*. تهران: عرفان.
- غبار، میر غلام محمد (۱۳۴۶). *افغانستان در مسیر تاریخ*. کابل: نشرات مؤسسه چاپ کتب.
- ----- (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات افغانستان: دوره محمدزایی‌ها*. پشاور: مرکز نشراتی آرش.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. جلد دوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ----- (۱۳۸۰). *لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی و یادداشت‌ها درباره فرهنگستان و برنامه‌ریزی برای زبان و ادبیات و تاریخ فارسی*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- فرنگیس، نجیب‌الله (۲۰۰۳). «افغانستان: طرح پیشنهادی بحث‌برانگیز زبان باعث مناظره شده است»، *رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی*. ۳ ژوئیه ۲۰۰۳. <https://www.rferl.org/a/1104868.html>.
- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۷۱). *افغانستان در پنج قرن اخیر*. تهران: انتشارات درخشش.
- قانون اساسی نافذ افغانستان (۲۰۰۴). «وزارت عدلیه». بازبایی شده از: قانون اساسی نافذ افغانستان | وزارت عدلیه.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۸۲). *هم‌زمانی و بی‌زمانی*. تهران: محمدابراهیم شریعتی افغانستانی.
- کوهکن، ح. (۲۰۲۰). «گزارشی درباره وضعیت زبان ازبکی در افغانستان»، بی‌بی‌سی فارسی. بازبایی شده از: www.bbc.com.
- لنگر، ن. (۱۴۰۲). «وزارت تحصیلات: پشتو زبان معیار است و سایر زبان‌ها فرعی خوانده شده است». *بندپندنت فارسی*. بازبایی شده از: <https://www.independentpersian.com/node/332736>
- ماگنوس، رالف. اچ، نبی‌ادن (۱۳۸۰). *افغانستان: روحانی، مارکس و مجاهد*. ترجمه قاسم ملکی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مرکز خبرنگاران افغانستان (۱۳۹۱). «دستور شورای وزیران برای جلوگیری از پخش برنامه‌ها به زبان‌ها و لهجه‌های بیگانه» در رادیو و تلویزیون‌های کشور. قابل‌بازبایی از: <https://afjc.media/news/afghanistan/kabul-capital/>
- مولایی، میراحمد (۱۳۸۱). *خاطرات و تاریخ افغانستان ۱۳۴۴ - ۱۳۰۲* (ش). جلد دوم. تهران: انتشارات هوای رضا.
- نورستانی، محمد اکبرشور ماج (۱۳۵۰). *جغرافیای عمومی افغانستان*. کابل: مؤسسه انتشارات زوری.
- وزارت تحصیلات عالی افغانستان (۲۰۱۶). «تجزیه و تحلیل بخش آموزش. مشارکت جهانی برای آموزش (Global Partnership for Education)». بازبایی شده از: <https://www.globalpartnership.org/node/document/download?file=sites/default/files/education-sector-analysis-afghanistan.pdf>
- وکیلی، عزیزالدین (۱۳۵۶). *دیوان تیمور شاه*. کابل: مطبعه دولتی کابل.
- هاتساند، آ. (۲۰۱۹، ۲۳ اپریل). «نیاز به آموزش دوزبانه در افغانستان». *یوریشیا ریویو*: <https://www.eurasiareview.com/23042019-the-need-for-bilingual-education-in-afghanistan/>
- هروی، نجیب مایل (۱۳۷۱). *تاریخ و زبان در افغانستان*. چاپ دوم. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی.
- یسنا، محمد یعقوب (۱۳۹۸). «جایگاه زبان پارسی در افغانستان»، *فصلنامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*.



سال بیستم، شماره ۴۰.

- یونسکو (۲۰۱۰). «خبرنامه دفتر یونسکو در کابل». بازیابی شده از:
<https://unama.unmissions.org/sites/default/files/UNESCO>.

- Birkland, T. A. (2014). "An Introduction to the policy process: Theories, Concepts and Models of policy policy making". *Routledge*. 52: 32-38.
- Canagarajah, S. (2007). "Lingua franca English, multilingual communities, and language acquisition". *The Modern Language Journal*. 91: 923-939.
- Dinakhel, Muhammad Ali (2018). *An Analysis Of Conflict Between Pashto And Dari Languages Of Afghanistan*. 85- Islamabad: Central Asia: 86-93.
- Dye, T. R. (1995). *Undrstanding Public policy, Eight Edition*. New Jersey: Prentice Hall, Englewood Cliffs.
- Hartmann, R. R. K., & James, G. (1998). *Dictionary of lexicography*. London: Routledge.
- Howlett, M. Ramesh, M. & Perl, A. (2009). *Studying public policy: policy cycles and policy subsystems*. (vol. 3). Oxford: oxford university press.
- Mckay, S. L. (2006). *EIL curriculum development*. In Rubdy, R. & Saraceni, M. (Eds.), *English in the world: Global rules, global roles*. London: Continuum: 114-129.
- Naji Meidani, E. Pishghadam, R. Ghonsooly, Behzad, & Hosseini Fatemi, A. (2015). "The role of home culture in English language classes: A comparison of three different viewpoints". *Language and Translation Studies*. 47(4): 91-105.
- Peter, Guy B. Pierre, Jon (ed) (2006). *Handbook of public policy*. London, SAGE publications.
- Smith, L. E. (1983). *Readings in English as an international language*. New York: Pergamon Press.
- Yuen, K. M. (2011). "The representation of foreign cultures in English text- books". *ELT Journal*. 65(4): 458-466.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی